

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۱۰ * (۳۰ شعبان ۱۳۵۰)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) تصویب ده فقره مرخصی
- (۳) شور و تصویب لایحه اعتبار خریداری سهام شرکت تلفن
- (۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه چهار دهم دی ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - آقای دکتر ملک زاده

دکتر ملک زاده - قبل از دستور

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمایندگان
خیر) صورت مجلس تصویب شد. آقای وزیر پست و
تلگراف

وزیر پست و تلگراف (میرزا قاسم خان سور) -

عرض کنم يك لایحه چندی پیش تقدیم کردم راجع به

تلفن مدنی است گذشته است و معطل مانده و باید تکلیفش
معین شود اگر آقایان موافقت می فرمایند مطرح شود.

رئیس - بسیار خوب

[۲ - تصویب ده فقره مرخصی]

رئیس - از طرف آقای حیدری تقاضا شده است
رپورت مرخصی آقایان وکلای کردستان و سایر
مرخصی ها قرائت شود. و بعضی از رفقای دیگر هم
به بنده نوشته اند که چرا رپورت های کمیسیون را در باب
مرخصی نمی خوانیم. اطاعت می شود.

(ده فقره رپورت مرخصی بشرح ذیل قرائت شد.)

خبر مرخصی آقای میرزا صادق خان اکبر:

* عین مذاکرات مشروح شصت و دومین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه - آقایان: آشتیانی - عدل - اقبال

غائبین بی اجازه - آقایان: تیمور تاش - حاج میرزا حبیب الله امین - اعظم زنگنه - طهرانچی - دکتر لقمان - مصدق جهانشاهی
میرزا اسدالله فقیه - عبدالحسین خان دیبا - هراز - حاج غلامحسین ملک .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: میرزا سید مهدیخان فاطمی - یونس آقا وهاب زاده

نماینده محترم آقای میرزا صادق خان کبر بواسطه کسالت از تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۱۰ تقاضای بیست روز مرخصی نموده اند کمیسیون با اختصاص يك تلت از مقرری این مدت بمصرف سوخت زمستانی فقراء که با نظارت اداره مباشرت مجلس مقدس انجام خواهد گرفت با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقای ملک .

ملك مدنی - موافقم .

رئیس - موافقین قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای دکتر سنگ

نماینده محترم آقای دکتر سنگ بواسطه کسالت تقاضای بیست و هفت روز مرخصی از تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۰ نموده اند کمیسیون با اختصاص سی تومان از مقرری این مدت بمصرف امور خیریه که تحت نظر اداره مباشرت مجلس مقدس انجام خواهد گرفت با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقای جمشیدی .

جمشیدی - موافقم .

رئیس - آقای ملک هم موافقتند. آقایان موافقین با مرخصی آقای دکتر سنگ قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای مرتضی قلی خان بیات:

نماینده محترم آقای مرتضی قلی خان بیات برای رسیدگی بامورات محلی تقاضای بیست و دو روز مرخصی از تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۰ نموده اند کمیسیون با اختصاص يك تلت از مقرری این مدت بمصرف سوخت زمستانی فقرا که با نظارت اداره مباشرت مجلس مقدس انجام خواهد گرفت با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقای مهدوی .

مهدوی - موافقم .

رئیس - آقای ملک هم موافقتند .

ملك مدنی - بلی .

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای میرزا محمدخان وکیل

نماینده محترم آقای میرزا محمدخان وکیل بواسطه کسالت از تاریخ ۱۴ مردادماه ۱۳۱۰ تقاضای ۷۵ روز مرخصی نموده و يك تلت از مقرری این مدت را اختصاص بمصرف سوخت زمستانی فقرا با نظارت و تشخیص اداره مباشرت مجلس مقدس داده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای دکتر طاهری:

نماینده محترم آقای دکتر طاهری برای رسیدگی بامورات محلی تقاضای چهل و چهار روز تمدید مرخصی از تاریخ تقاضای مرخصی سابق خود نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای دکتر طاهری قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر دیگر مرخصی آقای میرزا محمد خان وکیل

نماینده محترم آقای میرزا محمد خان وکیل برای رسیدگی بامور محلی تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقای روحی .

روحی - عرض کنم بنده می بینم گاهی کمیسیون محترم عرایض تبعیض میکند و این رويه را بنده خوب نمیدانم اگر يك تلت است بایستی عمومی باشد اگر نیست چرا

يك دسته اختصاص دارد بنده نمیدانم. البته این حق يك نماینده است. مجلس هم رأی میدهد. ماهم حق اعتراضی نداریم اما تبعیض کمیسیون را بنده نمی فهمم!

رئیس - آقای افسر .

شاهزاده محمد هاشم میرزا (افسر) - عرض کنم تصور می کنم که این مسئله از اختیار کمیسیون خارج است کمیسیون مطابق نظامنامه اگر عذر وکیل موجه است باید مرخصی بدهد والا خیر (صحیح است) این امر اختیاری است يك کسی میخواهد تمام حقوق خودش را بدهد برای يك معارفی. يك کسی نمیدهد. کمیسیون حق ندارد در این که بگوید چقدر باید بدهد این به عقیده بنده از وظائفش خارج است (صحیح است).

رئیس - عرض کنم کمیسیون هیچوقت خود را با تصمیم خودش چیزی از حقوق شخصی کسر نکرده است (صحیح است) ولی چون دائماً مایل بوده است برای تقلیل تقاضای مرخصی يك اشکالی و لو بطور کوچک هم باشد شود بامذاکره های شخصی با اشخاص از حقوق آنها کسر کرده ولی همان طور که میفرمایند کمیسیون هیچوقت بذل و بخشش با حقوق دیگری نکرده است (صحیح است). رأی میگیریم بمرخصی آقای وکیل. موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای آصف:

نماینده محترم آقای فرج الله خان آصف تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت برای رسیدگی بامور محلی نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند .

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای مفتی

نماینده محترم آقای مفتی برای رسیدگی بامور محلی از

تاریخ حرکت تقاضای سه ماه مرخصی نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای خان محمد خان حبیبی:

نماینده محترم آقای خان محمد خان حبیبی برای رسیدگی بامور محلی تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم می دارد.

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی راجع به آقای رهبری:

نماینده محترم آقای رهبری بواسطه عارضه کسالت تقاضای بیست روز تمدید مرخصی از تاریخ تقاضای مرخصی سابق نموده اند کمیسیون با يك عشر از مقرری این مدت جهت سوخت زمستانی فقراء که با نظارت اداره مباشرت مجلس مقدس انجام خواهد گرفت با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقایان موافقین با این خبر هم قیام فرمایند .

(جمعی برخاستند)

رئیس - تصویب شد . چون چند فقره مرخصی متوالیاً خوانده شد و ممکن است گفته شود مرخصی ها شاید زیادتر از انتظار است بنده بدان توضیحی اجبار دارم: اولاً لازم است که متذکر شود غالب این مرخصی ها راجع بگذشته است و عاید به آینده نیست. و تأثیری در حد نصاب اکثریت آینده ندارد. ثانیاً مسافرت این آقایان برای حوائج خصوصی نبوده و برای کار اجتماعی و نوعی بوده مثلاً آقای دکتر طاهری و آقا سید کاظم یزدی برای تنظیم شرکت نخریسی یزد رفته اند.

آقایان نمایندگان کردستان بر اثر احساسات وطنی و نوعی خود مسافرت کرده اند و آقای صادق خان اکبر برای پذیرائی نمایندگان هنگامی که به کیلان رفته بر دیم

عزیمت نموده اند منظور این است که عده مرخصی ها که خوانده شد چون نسبت سابقه امر و موجبات مرخصی ساکت است زنده باشد. آقای وزیر پست و تلگراف فرمایشی دارید؟

وزیر پست و تلگراف - میخواستم لایحه تلفن مطرح شود.

رئیس - خبر کمیسیون راجع شرکت تلفن :
کمیسیون بودجه با حضور آقای وزیر پست و تلگراف لایحه نمره ۵۳۵ دولت راجع با اجازه استقرار مبلغ یک میلیون تومان از بانک ملی را برای خرید سهام شرکت تلفن و تزئید سرمایه و توسعه تشکیلات تلفن مطرح و مورد مطالعه قرارداد نظر بتوضیحاتی که آقای وزیر پست و تلگراف در قسست تلفن و وضعیت آن در ولایات و لزوم خریداری سهام تلفن بیان نمودند کمیسیون با لایحه مزبور اظهار موافقت نموده و علیهذا راپورت خود را بمجلس مقدس شورای ملی تقدیم میدارد ماده واحده - بوزارت پست و تلگراف اجازه داده می شود که برای خرید سهام شرکت کل تلفن و مؤسسات تلفونی ولایات و تزئید سرمایه و توسعه تشکیلات تلفونی مبلغ یک میلیون تومان توسط وزارت مالیه از بانک ملی ایران استقرار نموده و در مدت هفت سال و نیم از منافع حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اصلاً و فرعاً از منافع سهام خود بردارد - بقیه عایدات عمل کرد تلفن نیز در مدت مزبور کلاً و بالانحصار مختص مخارج اداره و تکمیل توسعه کار تلفون بوده و همه ساله در بودجه مملکتی برای همین مقصود منظور خواهد شد و آنچه هم صرفه جویی بشود بر بودجه تلفن سال آینده اضافه میشود.

رئیس - ماده واحده مطرح است. آقای مؤید احمدی مؤید احمدی - عرض کنم همه آقایان اطلاع دارند یک شرکتی در طهران تشکیل شد با اسم شرکت تلفن و یک سرمایه داشتند و سهامی منتشر کردند و اشخاصی شرکت کرده اند و آنچه بنده اطلاع دارم اساسنامه شرکت مطابق قانون تجارت تنظیم شده و به ثبت آنستاد هم رسیده و ثبت شده است در دفاتر ثبتی با اسم شرکاء. روی

آقای وزیر پست و تلگراف که اگر آن توضیحات را بدهند ممکن است موافق شوم اولاً آنچه بنده شنیده ام قبل از آنکه این لایحه بمجلس بیاید یعنی اول که آقای وزیر پست و تلگراف مشغول تهیه این لایحه بودند این سهام را خریدند این ترتیب را بنده معتقد نیستم. یک اعتباری که باید از تصویب مجلس بگذرد دولت قبل از این که از تصویب مجلس بگذرد نباید اقدام کند آنچه شنیده ام مبلغ معتابهی داده اند و این سهام را خریدند. بعد هم می خواهم عرض کنم یک مؤسسه خوبی که در مملکت ایجاد شده در یک موقعی بایک سرمایه کمی خودش را باین وضعیت رسانده همین مؤسسه شرکت تلفن است اگر مقصود این است آن امتیاز قانونی که شرکت دارد دولت میخواهد آن امتیاز را بهم بزند بنده مخالفم و اگر مطابق امتیاز رفتار خواهد کرد (ولو که دولت اکثریت داشته باشد) بنده مخالفت ندارم. میخواهم آقای وزیر پست و تلگراف توضیحی در این باب بدهند که اصلاً بعد از آنکه از تصویب مجلس گذشت و دولت این اعتبار را گرفت و سهام را خرید ولو اینکه اکثریت هم داشته باشد مطابق اساسنامه که به ثبت رسیده با دیگران رفتار خواهد کرد و حقوق اقلیت سهام محفوظ خواهد ماند.

وزیر پست و تلگراف - همان طوری که آقای

دکتر طاهری اینجا فرمودند اساسنامه به ثبت رسیده و چون بر طبق قانون است البته قانون مطاع و متبع است. ولی اساسنامه هر چه باشد چه مال شرکت تلفن چه سایر اساسنامه ها هر کسی که می خواهد داخل این شرکت باشد باید تابع آن اساسنامه باشد در این شک و شبهه نیست. از آن طرف هم خود آقایان باید تصدیق فرمایند که امروز دولت یک دینار نمی تواند خرج کند مگر این که بموجب قانون موافقت وزارت مالیه را تحصیل کرده باشد و بعد بموجب لایحه مخصوص از مجلس شورای ملی هم تحصیل اجازه شود. تصدیق می فرمایید قبل از اینکه تحصیل اجازه شده باشد ما قانوناً مجاز نبوده و نیستیم که یک شاهی خرج کرده باشیم دولت در این جا میخواهد اجازه بگیرد یک

تکلیف معین کند یا این که درش تصرف کند. مقصود از این لایحه این است که بدولت اجازه داده شود که از سهام این شرکت بخرد. یک شرکت سهامی همه اکس می تواند سهامش را اتباع کند اما دولت اگر بخواهد بخرد بایستی از مجلس اجازه بگیرد و اعتبار آنرا تقاضا کند حالاً هم این اجازه را قانونی کرده به مجلس آورده مجلس هم چون در بودجه خرج منظور نبوده در لایحه که تقدیم گردیده معین شده که از بانک قرض کند و سهام را که دولت خرید می شود شریک و اگر اکثریت سهام را خرید مطابق ترقیبی که در خود اساسنامه است می تواند تغییر بدهد اساسنامه یک چیز دائمی نیست و در هر صورت منظور از این که دولت چه عملی میکند نسبت به سهامی که میخرد منظور این است که نسبت به سهام خودش فوایدش را صرف توسعه مؤسسات میکند نه اینکه هر چه خرید آنوقت کلیه عواید شرکت را صرف این کار میکند اشکال نماینده محترم این بود که اگر دولت فرضاً پانصد سهم خرید نسبت به پانصد سهم منافع و حقی که دارد عوایدش را صرف توسعه خود شرکت تلفن میکند (کازرونی - معذور که نیست که قسمت خودش را خرج کند یک قدری مطالعه فرمائید) عوایدی که حاصل می شود از خرید این سهام تکلیفش را باید مجلس معین کند دولت این سهام را که خریده ناچار عوایدش را باید جزو بودجه بیاورد جزو عواید کل مملکتی بیاورد تکلیفش را این جا معین کرده که حساب این مجزی است و باید صرف توسعه مؤسسات تلفن بشود و منظور هم این است که اگر چنانچه کسی فروخت هر کس فروخت دولت مجاز باشد که تمام سهام را بخرد و به این ترتیب عمل کند.

رئیس - آقای دبیا

طباطبائی دبیا - یک جمله از عرایض بنده را آقای مؤید احمدی فرمودند ولی جوابهای آقای دکتر حقیقتاً بنده را قانع نکرد. بنده اساساً راجع باین که دولت باید وسایل ارتباطات بین مردم را متمرکز بدهد و مرتب کند مخالفتی ندارم ولی حالا بنده یک توضیحاتی میخواهم از

مبلغی اگر مجلس شورای ملی اجازه داد از آن مبلغی که اجازه میدهد سهامی که آزاد است و آزادانه خرید و فروش می شود بین تمام مردم دولت هم از آن سهام يك مقدار را می خرد اگر موفق شد باریت مردم تمام سهام را خریداری میکند زیرا بطوری که در مقدمه لایحه عرض کرده ام نظر بمصالح مملکت و نظر باین که تمام وسایل ارتباطیه باید در دست دولت باشد اگر موفق شد تمام سهام را خواهد خرید و اگر موفق نشد نسبت به آن عده سهامی که می خرد البته برطبق اساسنامه رفتار خواهد کرد در اساسنامه اگر آقایان ملاحظه فرموده باشند نوشته اگر يك تاك یا اکثریت تجاوز کرد. صاحبان سهامی که دارای اکثریت هستند آن ها می توانند در اساسنامه تغییری بدهند پس در این صورت امروز دولت تاکنون یکشاهی از این سهام را نخورده. بنده هم مثل آقا اطلاع پیدا کردم که بانك ملی آنوقتی که دولت این نظر را گرفت و مشغول مطالعه این لایحه بود چون بانك ملی این طور کارها خیلی میکند ممکن است در خارج از این سهام هم خریده باشد و داشته باشد از این سهام بنده شنیدم که يك عده معتابیهی خریده و هنوز اطلاع کامل ندارم و همان طوری که آقا اظهار فرمودند بنده هم شنیدم و اما در سایر قسمت ها همان طور که آقا فرمودند در این جا آزادی در کار بوده و آزادی خواهد بود در خرید و فروش. اگر مردم با آزادی فروختند ما خواهیم خرید. اگر فروختند ما نخواهیم خرید.

چند نفر از نمایندگان - کافی است کافی است.

چند نفر دیگر از نمایندگان - کافی نیست.

رئیس - آقای دشتی.

دشتی - چیز عجیبی است. (کازرونی - از عجیب هم عجیب تر) بنده تعجب میکنم این قدر کم حوصلگی برای چیست؟ يك لایحه آمده است ده نفر مخالف دارد می خواهند صحبت کنند زود همه می گویند کافی است (کازرونی - کی گفت؟) بالاخره آقا ما برای مذاکرات در این جا آمده ایم اگر لازم شد ما دو روز سه روز باید صحبت کنیم. بنده اصلاً باین عمل دولت مخالف ام از این که حقوق صاحبان سهام را مراعات

شود بکلی مانعی کند مخالفم و نمی دانم چه جور می شود و چطور باقرانین جاریه مطابقت میکند.

رئیس - آقای ملک

ملك مدنی - مخالفم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - اشکالی را که این جا آقای مؤید نمودند و آقای کازرونی هم فرمودند بنظر بنده وارد نیست. و برای صاحبان سهام هیچ مضیقه و تضییقی در این قانون نشده. اساسنامه همان طوری که فرمودند بجای خود صحیح و ثبت هم شده وزارت پست و تلگراف یا بانك ملی که این سهام را خریده او هم نسبت با سهام خودشان مثل سایر شرکاء باید از اساسنامه متابعت کند و تابع مقررات همان اساسنامه است که آقا متذکر شدید. اما این که فرمودید اصل سرمایه را در هفت سال و نیم بر میدارند و با سهام دیگران لطمه و صدمه می زند این هم نیست. در لایحه دولت مطلب گنگ بود و همینطور است که میفرمائید ولی در کمیسیون بودجه مطلب را مذاکره کردیم و مطلب روشن شد و نوشته شد که (منافع خاصه عمل تلفن وجه مزبور را اصلاً و فرعاً از منافع سهام خود پردازد) یعنی سهامی را که دولت خودش میخرد از منافع خودش قرضی که دارد می بردارد این عیب کجا است؟ (افسر - صحیح است) هیچ جاش عیب ندارد

کازرونی - منافع حاصله عمل تلفن نوشته (خود) ندارد.

اعتبار - آن لایحه دولت است خبر کمیسیون مطرح است. ملاحظه بفرمائید خبر کمیسیون را. بنده می خوانم.

گوش بدهید «وزارت پست و تلگراف اجازه داده می شود که برای خرید سهام شرکت کل تلفن و مؤسسات تلفونی ولایات و تزئید سرمایه و توسعه تشکیلات تلفونی مبلغ يك میلیون تومان توسط وزارت مالیه از بانك ملی ایران استقراض نموده و در مدت هفت سال و نیم از منافع حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اصلاً و فرعاً از منافع سهام خود پردازد.» پس وقتی که (منافع سهام خود را) ما اسم بردیم. مقصود منافعی است که

دولت دارد (کازرونی - بقیه اش را هم بخوانید) بقیه اش را هم چشم میخوانم «بقیه عایدات عمل کرد تلفن نیز در مدت مزبور کلاً و ببالانحصار مختص مخارج اداره و تکمیل توسعه کار تلفن بوده و همه ساله در بودجه مملکتی برای همین مقصود منظور خواهد شد و آنچه هم صرفه جوئی بشود بر بودجه تلفن سال آینده اضافه می شود» اساساً منظور این بوده است که بقیه عایداتی که ما داریم نامدتی برای توسعه و تکمیل مؤسسات تلفن مصرف کنیم البته این جا نمی شد بگوئیم که بنده یا دولت که دارای اکثریت هستیم منافع خودم را خرج توسعه و تکمیل بکنم ولی سایر شرکاء نکنند (یکی از نمایندگان - برای چه نمی شود؟) نمی شود زیرا سایر شرکاء هم بهمان اندازه از توسعه و تکمیل تلفن استفاده میکنند بالاخره تکه تکه که نیست. قضیه يك اداره تلفن است و يك شرکت. وقتی که بنده در اداره تلفن شریک شدم و اکثریت با من شد و من جزو هیئت مدیره شدم مطابق همان اساسنامه که آقا بهش متذکر شدید وقتی که محرز شد که باید اداره تلفن را وسعت بدهیم آن وقت می شود گفت که بنده در سهم خودم منافع خودم را صرف بکنم ولی دیگری نکند؟ و سهم آن یکی را بهش بدهیم؟

بوشهری - چرا تغییر اساسنامه میدهید

اعتبار - اجازه بدهید آقا. وقتی که وات سهم خودش صرف توسعه و تکمیل مؤسسات تلفن کرد آن يك سهمی هم استفاده می برد. اما اینکه آقایان میفرمایند در بودجه مملکتی چرا منظور می شود بالاخره آقا يك محلی میخواهد که در آنجا منظور شود. ما نگفتیم در جزو بودجه مملکتی صرف فلان مخارج بشود. ما برای همین مقصود نوشتیم که در بودجه باید این منافع حفظ شود و نگاه داشته شود که برای کار معینی که توسعه باشد مخارج شود و از سایر مخارج دولتی دیناری خرج شود فقط همین محل برای این منظور صرف شود و در بودجه این مبلغ حفظ خواهد شد که محل دیگری نداشته باشد و این بنظر بنده هیچ اشکالی ندارد.

رئیس - آقای ملك مدنی

است که ما بیائیم اختیار سرمایه‌اش را از شما سلب کنیم و بدولت بگوئیم که مجازی عایدات آنرا صرف توسعه و تکمیل بکی دولت البته توانائی دارد می‌تواند تا وقتی که دولت تمام این سهام تلفن را نخریده بقیه بنده این قسمت اخیر در این لایحه نباید باشد ما اگر پس از توضیحاتی که آقای وزیر پست و تلگراف دادند قانع شدیم که لزوم دارد خرید سهام تلفن ما باید بدولت اختیار بدهیم که سهام تلفن را ناهراندازه که می‌تواند خرید کند و در جریانات هم تابع همان اساسنامه شرکت باشد حالا فرض کنید اگر دولت تمام سهام را خریداری کرد اختیار داشته باشد که باید در يك همچو موقعی از مجلس اجازه بگیرد که عایدات حاصله را صرف توسعه مؤسسه بکند آنرا تحت يك ماده واحد يك لایحه دیگر پیورده بنظر بنده تا وقتی که دولت تمام سهام را خریداری نکرده ما نباید قانونی بگذاریم که بحقوق دیگران لطمه وارد بشود.

وزیر پست و تلگراف - آنگاه که آفسوال

میفرمایند در مقدمه لایحه که به مجلس تقدیم گردیده ذکر شده است و بنده هم در اینجا یکقدری توضیح میدهم هم برای آقا و هم برای سایر آقایان نمایندگان محترم دیگری که احتمال می‌رود نظر موافقی نداشته باشند و شاید قانع شوند. اینجا نوشته است نظر باینکه تمرکز تنظیم وسایل مخابراتی مملکت منظور نظر دولت بوده و تاکنون این موضوع از حیث پست و تلگراف بسیم تأمین گردیده است برای اینکه این منظور تأمین شده باشد لازم بود قسمت تلفن نیز با تلگراف و پست توأم و تحت اصول واحد اداره شود. این اصل آن نظری است که دولت را ملزم کرد که این لایحه را به مجلس پیورده ولی يك قص وضع دولتهای سابق این بوده است که علاوه بر اینکه اهمیت ارتباطات نمیدادند محتاج هم نبودند برای این که آقایان باید انصافاً تصدیق فرمایند در دست دولتهای سابق اغلب سرحدات مملکت نبود یعنی دولتهای سابق قادر نبودند که در اغلب جاها قراردادهایی که بسته بودند اجراء بکنند وقتی که اجراء شد برای اجرای آنها

ملک مدنی - عرض کنم موقعی که این لایحه در فراکسیون مطرح شد بنده نبودم. بنظر بنده توضیحی رسیده که باید بعرض مجلس برسانم. اولاً آقای وزیر پست و تلگراف توضیح بدهند که چه علتی ایجاب کرده است که دولت مبادرت باین اقدام بنماید. زیرا يك صاحبان سهامی بوده‌اند و يك مؤسسه آزادی در دست اشخاص بوده و تأسیس تلفن هم کرده‌اند و همیشه هم مرام دولت این بوده است که اشخاص بیایند سرمایه خوردشان برای يك کارهای عام‌المنفعه بکار بیندازند حالا يك اشخاصی مثلاً آمده‌اند و امتیازی گرفته‌اند و يك شرکت تلفن تأسیس کرده‌اند و بنظر بنده هم اقداماتشان برای تلفن خیالی خوب بوده شکایاتی در این مدت از آنها نشده و حالا اگر البته دولت يك نظریات اساسی برای خرید این سهام تلفن داشته باشد آن را آقای وزیر پست و تلگراف اینجا توضیح بدهند که هم مجلس و هم افکار عامه روشن بشود که تا اندازه متوجه بشوند باینکه منافی برای دولت و ملت در بر دارد و ثانیاً در این قسمت اخیری که آقای کارزونی اشاره کردند و آقای اعتبار اجمالاً توضیح دادند بنظر بنده توضیح خیلی کافی بود اینجا قید شده دولت همینکه سهام شرکت را خرید مجاز است عایدات حاصله از آن را خرج توسعه تلفن و مؤسسات تلفن بکند. بنده عرض میکنم دولت آمد از صدسهم که قائل شریک پنج‌سهم یا پنج‌سهم یا پنج‌سهم یا شصت سهم خرید دولت خواست توسعه بدهد خطوط تلفن را صاحبان سهامی که یکی يك سهم دوسهم سه‌سهم دارند اینها نخواستند با این نظر موافقت کنند ما بیائیم اینجا آنها را ملزم کنیم که محرز باشد. صاحبان سهام میخواهند زندگانی بکنند ارتزاق بکنند طبق این قانون اگر این لایحه بگذرد آن دیگر بعدها نمی‌تواند از منافع سالیانه شرکت استفاده کند و این بنظر بنده مورد ندارد که ما بخواهیم يك کسی که يك سرمایه دارد او را از منافع آن محروم کنیم شاید اساساً يك نفر آنچه که داشته برای خرید يك سهم یا پنج سهم تلفن اختصاص داده و همه ساله میخواهد از منافع عایدات آن زندگی کند این برخلاف همه چیز

اینجا هم همینطور است ملاحظه فرمائید ما اگر خریدیم این بايك «اگر» است اگر مجلس اجازه داد اگر ما خریدیم و اکثریت پیدا کردیم موافق آن اساسنامه حقوق اکثریت و حقوق کلیه ارباب سهام ملحوظ خواهد شد ما اگر خریدیم البته باید قانونی باشد غیر قانونی که نمی‌خواهیم آمده‌ایم از مجلس اجازه بگیریم آن وقت بخریم. و آن قسمتی هم که آقا فرمودید در آن قسمت که آقای اعتبار توضیح دادند گفتند ما اجازه میخواهیم که منافع حاصله از سهام خودمان را صرف کنیم و بنده فرمایش حضرت عالی را تصدیق می‌کنم وقتی که این لایحه مورد تصدیق واقع شد ممکن است اینها اصلاح شود این يك کاری است راجع بداخله خود شرکت برتیبی که در اساسنامه مندرج است.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم که تا بحال در موضوع خود تلفن اصلاً صحبت نشده يك اشاره فقط آقای دکتر طاهری کردند آنهم چون کاملاً مسبوق نبودند فقط اشاره کردند بنده میخواستم از دولت پرسیم که علت این کار چیست دولت برای چه اقدام کرده است که تمام تلفن را بخرد و خودش را شریک درجه اول بکند. يك مرتبه دیگر هم این صحبت‌ها را ما در فراکسیون کردیم و آقای وزیر پست و تلگراف يك جوابهایی دادند ولی آن جوابها مقنع نبود و گفتیم این کار را دولت یا از نظر سیاست می‌کند یا از نظر انتفاع یعنی برداشتن منفعت اگر از نظر انتفاع میخواهد بکند بکلی غلط است و امروز هم بنده يك نکته متذکر شدم که حالا باز عرض میکنم اساساً این مسئله در تمام دنیا محرز شده است تقریباً اغلب علمای اجتماع باین معتقدند که دولت نباید در کارهای انتفاعی مداخله کند (نمایندگان - صحیح است) اصلاً فلسفه وجود دولت فقط برای حفظ انتظامات است و برای حفظ سیاست مملکت و برای این است که مردم بهتر بتوانند کار کنند بهتر تجارت کنند بهتر بتوانند زراعت کنند و دولت تا آن اندازه که اقداماتش برای حفظ منافع مردم است صحیح است و اگر خودش بخواهد مداخله کند یعنی تجارت کند بکلی اسباب زحمت

لازم است که تمام وسائل در دست دولت باشد و مهمترین وسیله که باید در دست دولت باشد وسیله ارتباط است اعم از تلگراف و تلفن و سایر چیزها باید منحصر در دست دولت باشد (نمایندگان - صحیح است) بنده اگر اتفاقی که در ظرف این چند سال بواسطه تشتت ارتباطات پیدا شده است عرض کنم آقایان بدون اینکه فرمایشی بکنند نظر دولت را تصدیق خواهند کرد. نظر دولت این است همانطوری که عرض کردم تمام وسائل باید در دست خودش باشد چرا برای اینکه مثلاً الان يك اعزام قشونی می‌شود برای يك طرف آنوقت باید وسائل را تحت اختیار قشون بگذارند اگر در دست يك شرکتی باشد آیا ممکن است و ماحق داریم که در کار آنها مداخله کنیم؟ قانون بما اجازه نمیدهد این است که در بعضی اوقات که ما کاری داشتیم بنده رسماً با اداره تلفن اطلاع میدادم که در فلان موقع قشون محتاج است به تلفن شما در اختیار آنها بگذارید و چون قانون بما این اختیار را نمیداد و هیچوقت اختیار نداشتیم که مستقیماً استفاده کنیم این بود که دولت خواست این فکر خودش را بعرض مجلس رسانده باشد و استجازه نماید اگر هم میفرماید ما نظرم آن این بود که خدای نکرده يك مؤسسه از بین برود گمان میکنم تصدیق فرمائید که دولت اولاً هیچ این نظر را نداشته و ثانیاً هم لازم نبود که این موضوع به مجلس بیاید از این جهت آمدیم به مجلس و خواستیم خاطر آقایان مسبوق باشد و بفهمند و اگر موافقت کردند و اجازه دادند ما هم خواهیم خرید و البته اگر موفقیت پیدا کردیم که اکثریت را بخریم البته مطابق اساسنامه که به ثبت رسیده در دفاتر قانونی دولت رفتار خواهیم کرد. تا امروز شرکت تلفن چه کار میکرد؟ مثلاً در اساسنامه پنج تومان عایدی دارد آن پنج تومان بنده سؤال میکنم از آقایان؟ پست سال است شرکت تلفن دائر است نسبت برباب سهام چه رویه اتخاذ میکردند همان رویه را الان اتخاذ خواهد کرد اگر کسی يك سهم داشت در مقابل اکثریت چه میکرد؟ یعنی می‌گفت مثلاً در اساسنامه پنج تومان عایدی دارد آن پنج تومان را باو بدهند آنوقت نسبت بسایرین چه بکنند؟ نه در این شرکت در هیچ شرکتی همچو چیزی عملی نمی‌شود

فقط بواسطه همین مسئله است. یکی از وظائف دولت مساعدت کردن با این شرکتها است که آنها بهتر بتوانند وظائفشان را انجام بدهند. درممالکی که خیلی ترقی کرده‌اند و امروزه سرمشق هستند در آنجاها اغلب کارهای مهم در دست شرکتها است. و این که آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند در سایر جاها ارتباطات در دست دولت است اینطور نیست در آنازونی که یکی از ممالک راقیه دنیا است پست و تلگراف در دست مردم است و هیچ مربوط بدولت نیست هر وقت دولت احتیاجی پیدا کرد می‌گیرد. ملاحظه فرمائید مثل راه آهن راه آهن یا کابینون و اینها مال شرکتها است مال اشخاص است و لکن اگر يك وقت احتیاجات سوق الجیشی دولت را مجبور کرد که يك عده بکند جانی فرستد آن شرکت آنوقت موافقت میکند و هیچ شرکتی هم حق حرف زدن ندارد پس اگر ما اینطور هستیم بگوئیم دولت باید تمام ارتباطات مملکت را در دست بگیرد تمام شوقورها را در دست بگیرد! البته ارتباطات دولت اهمیت دارد ارتباطات دولت زیاد شده تلگرافاتشان زیاد شده راه مبادلاتشان زیاد شده و اینها اساس وضعیت اقتصادی مملکت است ولی اینها دلیل بر این نیست که سهام شرکت تلفن را دولت بخرد. عرض کنم که اگر از نقطه نظر انتفاعی میخواهند این کار را بکنند بعقیده بنده بهتر است که دولت نباید يك میلیون دو میلیون خرج بکند برود سد اهواز را ببندد (وزیر پست و تلگراف - بسته است) مثلاً این کارهای مهم را دولت بکند این کارهای جزئی را ول کند. اگر همین مسئله آبیاری این مملکت را در نظر بگیرد برای این که منبع زندگانی مملکت ما زراعت است شنبه ندارد ما تمام احتیاجاتمان از زراعت پرداخته می‌شود دولت اگر يك پروگرام چهارساله پنجساله برای آبیاری این مملکت درست بکند باید سرمایه پانزده میلیون پست میلیونی شروع کند بسدسازی درمعدت پنجسال هم عایدات دولت هم عایدات مملکت سه برابر خواهد شد. شما چرا شرکت تلفن را بخريد انتفاع ببرید بروید آبیاری کنید اگر برای انتفاع باشد بنده بکلی مخالفم.

اگر از برای سیاست است این را باید آقای وزیر پست و تلگراف بروند پشت تریبون و برای ما شرح بدهند که شرکت تلفن برخلاف سیاست عمل کرده‌اند یعنی وجود شرکت تلفن باعث این شده که خیانت بقشون کرده باشد خیانت بسیاست مملکت کرده است آنوقت ما رأی میدهیم که باید آنرا منحل کرد اگر خیانت کرده باشد و لکن اگر شرکت تلفن این مملکت بیشتر خدمت کرده بقشون آنطوری که بنده اطلاع هم دارم همیشه اینها خدمت کرده‌اند یعنی هر جا که احتیاجات قشونی بوده و قشون احتیاج داشته به تلفن فوراً در دسترس آنها گذاشته‌اند و اگر اینطور بوده است که این دلیل نیست که ما بگوئیم باید ارتباطات ما در دست دولت باشد. یکی از بهانه‌های وزارت پست و تلگراف که در اینجا پشت تریبون نگفتند این بود که اگر شرکت تلفن باشد عایدی تلگراف کم می‌شود این حقیقتاً يك دلیل دولت پسندی است اما دلیل مجلس پسندی نیست مثل اینکه بعضی مأمورین تحدید مردم را وادار میکنند که تریاک بکشند برای اینکه عایدات دولت زیاد بشود (خنده نمایندگان) از نقطه نظر سیاست و انتظامات بنده بهیچوجه دلیلی نمی‌بینم (یعنی من نمی‌بینم شاید باشد) ولی بر حسب ظاهر آنچه که ما می‌بینیم و اطلاعاتی که ما داریم از نقطه نظر سیاست بهیچوجه ایجاب نمی‌کرده است که دولت حتماً شرکت تلفن را منحل کند. یکی دیگر مثلاً تا خبری نشده است می‌روند بقیه بانک ملی را می‌چسبند. هشتصد هزار تومان به بانک ملی سرمایه داده‌اند فوراً يك حواله پانصد هزار تومانی يك حواله دویست هزار تومانی و بالاخره حواله که کمپانی سوئدی آمده است اجناس خریدند برای راه آهن این حواله‌ها به بانک ملی نتیجه‌اش این شده که بانک ملی اعتبارات اغلب تجار را قطع کرده است برای اینکه میخواهد پول به آنها بدهد نمی‌تواند مردم را در زحمت انداخته‌اند کاری که کرده است عرض کنم که اینجا آقای مؤید احمدی و آقای دیا صحبت کردند که بدون اجازه مجلس دولت حق نداشته است سهامی

بخرد جواب دادند دولت نخریده ما میدانیم خریده است ما اشخاصی را سراغ داریم که با آنها معامله کرده است (روحی - بانک ملی حق داشته بانک مؤسسه تجارتي و آزاد است) به آنجا هم می‌رویم. این چیز عجیبی است. عرض کنم که بانک ملی بادوات تباری کرده است این يك مسئله معلومی است بانک ملی بادوات تباری کرده است دولت گفته من این لایحه را تهیه میکنم تو هم شروع کن به سهام خریدن بانک ملی بادوات تباری کرده است و الا علت ندارد که بانک ملی برود کار خودش را بگذارد سهام تلفن را بخرد. سهام تلفن منعت ندارد مگر بانک ملی احمق است! سهام تلفن اینقدرها منفعت ندارد که بانک برود سهام آن را بخرد! و این را هم تقریباً بی‌اجازه مجلس باید گفت. يك نکته دیگر این جا بود که آقایان تذکر دادند و تاکنون جواب مقننی داده نشده است و آن راجع به حفظ حقوق اقلیت است و آقای اعتبار جواب دادند که اقلیت تابع اکثریت می‌شود گفتند همینطور که الان صاحب يك سهم (خود آقای وزیر پست و تلگراف فرمایشات کردند) صاحب يك سهمی آن پنج تومانی که داشته میگوید فلاقتدر منعت بمن بده آنوقت خودت هر چه میخواهی بکنی بکن این صحیح است ولی آنطرفش هم غلط است که من بگویم آقا این پول مال تو است ولی تو حق نداری يك پول از این برداری این ده هزار تومان تمام مال شما است ولی هر چه که منعت شد ده هزار تومان که منعت شد این ده هزار تومان راهم صرف توسعه خود مؤسسه میکنیم این مؤسسه هم که مال شماست این خیلی ظاهرش خنک و زنده است مثل اینکه يك کسی بمن بگوید شما پنج میلیون لیره دارید در بانک ولی هیچ گیر تو نمی‌آید هر سال يك میلیون لیره بآن اضافه می‌شود مال تو میماند تو در آخر عمرت وقتی میخواهی بمیری عوض ده میلیون لیره صد میلیون لیره داری این خیلی هم واقعاً اترسه می‌شود که ده میلیون لیره صد میلیون می‌شود ولی يك پولش را بهش ندهند برای این که مطابق این قانون که نوشته است منافعتش کلاً وبالاحصان

باید صرف توسعه و تکمیل تلفن بشود ولی تا چهار سال پنجسال تا روز قیامت باشد مردم چکار دارند. بنده آقا این لایحه که پیشنهاد کرده‌اند مخالفم چکار دارم جمله غلط دارد بنده با اصل لایحه مخالفم این باید تا روز قیامت آنجا باشد و ابداً استفاده نداشته باشد بالاخره تمام کارهایی که مردم میکنند و تمام شرکتهای و تجارتهایی که مردم میکنند برای بهره برداری است. وانگهی ما چه حق داریم قانون بگذاریم که آقا تو پولی که در شرکت تلفن داری تو حق نداری از پولت استفاده کنی. اگر شرکت تلفن اساسنامه‌اش این رأی را بدهد که تا پنجسال ده سال بیست سال این پول را صرف این مؤسسه بکند این البته در آنجا اقلیت تابع اکثریت می‌شود ولی ما حق نداریم قانون بگذاریم که تمام عایدی که پیدا می‌شود صرف توسعه مؤسسات تلفن بشود این چیز عجیبی است ما چطور می‌توانیم مداخله در حق مالکیت دیگران بکنیم! این در وقتی صحیح بود که دولت اکثریت سهام را داشته باشد آنوقت که تشکیل می‌شود آن اکثریت تصمیم بگیرد که تا پنجسال کلیه عواید حاصله از آن شرکت صرف مؤسسات تلفن بشود اما ما نمی‌توانیم قانون وضع کنیم قانون بگذاریم که آقای خواجوی که آنجا پنجاه هزار تومان سهام دارد این دوهزار تومان‌ش همچو باشد نادر سال همچو باشد ما چه حق داریم این قانون را وضع کنیم. عرایض بنده گمان میکنم تمام شد بنده این ایرادها را داشتم و امیدوارم آقای وزیر پست و تلگراف قصدشان فرمایشه بازی نباشد و یک جوابی بدهند و واقعاً بنده با کمال عقیده و کمال ارادتی که بایشان دارم با این لایحه مخالفم و اغلب رفقای پارلمانی بنده هم مخالفند و بهیچ وجه عرض خصوصی در این باب ندارم و هیچ نقطه نظری نداریم فقط میخواهیم که این یک چیز صحیحی و یک چیز مشروعی باشد و یک چیزی که با وجدان یک بتوانیم رأی بدهیم نه با وجدان مترزل.

رئیس - آقای فهمی

فهمی - بنده با یک قسمت از فرمایشات آقای

مؤسسه هردو یک درجه محل احتیاج هستند اگر در دست یک نفر باشد البته بهتر است این مؤسسات را اگر چه صورت ظاهر انحصار نمی‌کنند ولی البته همیشه منحصر هستند یعنی دو دستگاه تلگراف در یک مملکت هیچوقت راه نمی‌افتد مثل راه آهن فرضاً یک خط آهن از خوزستان تا طهران دایر شود دیگر هیچوقت دو خط آهن نمی‌شود گوا اینکه در امتیازش هم قید انحصار نکنند ولی چیزی است که عملاً منحصر است یک شرکت تلفن و قتی که راه افتاد عملاً منحصر است و نباید یک شرکت دیگری نباید در مقابل او رقابت کند همینطور تلگراف اگر تلگراف بخواهد پیش برود کار تلفن زمین میماند و شرکت زمین میخورد آنوقت باید از زمین برود و مختل شود پس تلفن و تلگراف هردو ولو اینکه در سال مبلغی هم ضرر بکنند برای احتیاجات امروزه باید حتماً دایر باشد اما اشکالاتی که گفتند برای ورود اسباب و لوازم دیگر شده است این یک موضوعی است که انحصار به تلفن نداشته و ضعیف تجارتی امروزه و وضع قانون انحصار یک مقرراتی را برای معاملات با خارجه وضع کرده است که باید رعایت شود و منحصر به تلفن نیست در کلیه خرید و فروش و تجارت همین اشکالات از لحاظ خرید اسعار و اینها در کار هست یک چیزی نبوده است که مخصوصاً تصور شود خواسته‌اند یک اشکالی و زحمتی برای شرکت تلفن فراهم کنند این یک چیز عمومی است و سرمایه هم که بانک داده شده است سرمایه بانک بطوری که در قانون گذشته است بیست میلیون است و بانک هم یک وجوه دیگری در اختیار خودش دارد که معامله هم با مردم بکند غیر از آن هشتصد هزار تومانی که عرض کردم و اگر امروز داخل در شرکتهایی بشود و کارهای تجارتی بکند اهمیت ندارد بانک برای همین است که هر عملی را که مفید بدانند و بدانند که صرفه دارد آن کار را بکنند و حالا هم آمده است این سهام را خریده است و چون بدلائلی که عرض کردم دولت می‌بایستی مداخله کند در اینکار برای اینکه از صورت فعلی تغییر بدهد بصورت دیگری که بیشتر احتیاجات مردم را تأمین کند دولت در نظر گرفته که آن سهام را خریداری کند و مؤسسات پست و تلگراف و

تلفن و تلگراف بی‌سیم مخصوصاً این سه چهار شبه را برای تأمین احتیاجات عمومی اداره بکند چیزی که هست اینجا که بنده هم آن را مخالفم این است که قسمت اخیر ماده البته این زحماتی که گفتند ایجاد میکند زیر دولت یک سهامی را می‌خرد یک عده سهامی دولت دارد منافع او را هم تخصیص میدهد برای استهلاک قرض خودش یک میلیون تومان عایدات شش هفت ساله او هیچوقت کافی نخواهد بود برای استهلاک اصل قرض پس عایدات اضافی اولاً پیدا نمیکند که بمصرف دیگری برسانند و اگر هم عایداتی پیدا کند البته دولت اختیار دارد راجع بمنافعش که بخودش تعلق می‌گیرد تصمیماتی بگیرد در بودجه مملکتی هم بگذارند ولی سهام سایر شرکاء و دیویداندی که بآنها داده می‌شود آنرا نمی‌شود گذاشت در اختیار وزارت پست و تلگراف که منحصر برای تکمیل و توسعه تلفن مصرف کنند که در بودجه مملکتی بگذارند خیلی خوب این حق سهامی است که بخودش تعلق می‌گیرد بعد اگر در هیئت مدیره قرار گذاشتند که صاحبان سهام یک مبلغی بدهند البته هر کدام یک مبلغی میدهند و اگر چنانچه قرار شد سهام جدیدی طبع کنند و اضافه کنند بر سرمایه دولت می‌تواند عواید خودش را برای اینکار تخصیص بدهد بنده بطوریکه بمقام ریاست پیشنهاد کردم فقط ماده را تا آنجا که اجازه داده می‌شود برای خرید سهام بوزارت پست و تلگراف بنده نوشتم و از جمله بقیه عایدات بچه مصرف برسد حذف شود این قسمت را که حذف کردیم هم نظر آقایان مخالفین تأمین می‌شود و هم اصل مقصود وزارت پست و تلگراف عاجلاً بعمل می‌آید که محتاج بزحمات دیگری نخواهد بود و اگر بعدها عایداتی پیدا کند و بخواهند تصمیم جدیدی بگیرند مانعی نیست که لایحه جدیدی بمجلس بیاورند و مجلس هم موافقت کند.

رئیس - آقای عراقی موافقت می‌کنند؟

عراقی - مخالفم

رئیس - بفرمائید

عراقی - تصور میکنم در این دوره هشتم یک قرارداد

تقریباً بین مجلس و دولت بود در لوایح و آن این بود که لوایح قبل از اینکه بمجلس بیاید در فراکسیون در اطرافش مذاکره می‌شد و رأی گرفته می‌شد در اطراف او بعد می‌آمد بمجلس این لایحه گویا از بدبختیش توانسته بفراکسیون بیاید در اطرافش هم صحبت نشده رأی هم گرفته نشده این است که یک‌قدری صحبت می‌شود بنده می‌خواستم قبل از اینکه وارد مذاکره شوم تقاضا کنم از آقای وزیر پست و تلگراف که امروز مطرح نکنند و مایک قدری در اطرافش در فراکسیون مذاکره کنیم خوب مطرح شد ولی توضیحاتی که خود آقای وزیر پست و تلگراف در اطراف این قضیه و لزوم این که بخراند آدادند باماده‌شان تقریباً مخالف است حالا توضیحاتشان که چرا می‌خواهند بخرند و اینکه صحبت فرمودند که شراکت آزاد است هر کس می‌خواهد می‌فروشد هر کس نمی‌خواهد نمی‌فروشد با آن توضیحی که دادند باز منافات دارد مجبور می‌شوند بخرند از شان خریداری تلفن برای این است که مطابق فرمایشات آقای وزیر پست و تلگراف که خط ارتباط کلیتاً در دست دولت باشد و این اساسنامه هم که شرکت تلفن دارد این اساسنامه هم البته يك قواعدی دارد همینطور که آقای دشتی هم صحبت کردند يك اکثریتی دارد و يك ترتیبی شما در ماده می‌نویسید که نسبت بمنافع اسهام خوردمان تا هفت سال پردازند از بابت استهلاكش بعد می‌نویسد بقیه عایدات عمل کرد تلفن نیز در مدت مزبور کلاً و بالانحصار مختص مخارج اداره و تکمیل توسعه کار تلفون می‌شود ما چهار نفر پنج نفر ده نفر فرض بفرمائید سهام داریم اینجا شما دارید در قانونی که از مجلس می‌خواهد بگذرانید وظیفه برای اشخاصی که سهام دارند معین می‌کنید این مربوط بمنایست که وظیفه آنها را معلوم کنیم وظیفه آنها را باید خود شرکت معین کند اکثریت و اقلیتی اگر هست در خود شرکت وظیفه آنها را باید معین کنند نه اینکه ما معین کنیم یکی دیگر آقای میفرمایند ما بطور آزادی می‌خریم البته هر کس بخواهد می‌فروشد و هر کس نخواهد نمی‌فروشد ما هم بطور

آزادی از آنها می‌خریم علت لزوم خرید خودتان را بانی می‌آورید که مجبورید از آنها بگیریید زیرا می‌خواهید خط ارتباط کلیتاً دست دولت باشد اگر بخواهید خط ارتباط دست دولت باشد هر کس شرکت داشته باشد باید بگوئید خیلی خوب حواله ما را بدهید حضرت عباس می‌فروشند بفروشند ما دیگر او را اصلاً شريك نمی‌دانیم والا خط ارتباط محفوظ نیست و اگر برای داشتن سهام است الا آن يك قسمتی بانك ملی خریده و دولت هم می‌تواند آن سهامی را که بانك ملی خریده از بانك ملی بخرد و یکی از شرکاء بشود ولی اینکه ارتباط دستش نمیدهد ارتباط دست دولت باید طوری باشد که تمام شرکاء و اصل شرکت دست دولت باشد نه اینکه صرف دولت هم شريك باشد آنوقت ارتباط دست دولت باشد و گذشته از اینها حقیقتاً يك مؤسسه که چند سال است در این مملکت درست شده و تا بحال بد هم سلوک نکرده شما هم هروقت کار بآنها داشته‌اید بآنها گفته‌اید اطاعت دولت را کرده‌اند مجبور هم بوده‌اند اطاعت کنند در مواقعی که دولت لازم دارد يك همچو شرکتی را ما بپایم يك پولی بدهیم بخریم بعد هفت‌ساله این پولمان را ادا کنیم این لحاظش چه چیز است يك شرکتی را زحمت کشیده‌اند سالها آمده‌اند خوب يك قسمت شرکاء صاحبان اسهام هستند و يك قسمت اشخاصی هستند که خطوطی را اجازه کرده‌اند از طهران بعراق، بهمدان، بکرمانشاه، بخراسان اینها در اجاره اشخاص دیگر است با آنها چطور می‌خواهید سلوک کنید اگر بخواهید فسخ کنند یعنی مختار باشند در فسخ البته او حتی القوه فسخ نمی‌کند و همینطوریکه تا حالا دائر کرده اداره کرده نگاهداری میکند اگر شما بخواهید اجارشان بکنید که فسخ کنند این اجبار برای چه؟ چه شده که باید مردمانی که پولی آمده‌اند ریخته‌اند بپایند فسخ کنند و شما اجارشان کنید بفسخ؟ و در آخر عرایض عرض میکنم آقای وزیر پست و تلگراف خوب است امروز خاتمه این لایحه را از مجلس تقاضا نداشته باشند خیلی هم مصر نباشند يك قدری در بیرون يك صحبت‌هایی بکنند و هم اشخاصی که صحبت میکنند آزادتر باشند آقای

فهیسی می‌فرمایند که من همچو تصور میکنم که رقابت دارد تلفن با تلگراف خوب آقا هر چه کاسی باشد با همدیگر رقابت دارد پس دولت بگوئید من آقا ملك دارم هیچکس نباید کدم بفروشد برای اینکه بامن رقابت میکند این معنی ندارد البته تلفن با تلگراف رقابت چون رقابت دارد باید از دست صاحبانشان گرفت این را بنده نمی‌توانم باور کنم و تصور میکنم دولت هم این مقصود را ندارد و خواستم عرض کنم که این حرفتان را يك قدری دولت هم راضی نیست.

وزیر مالیه - بنده بدبختانه لوایح دیگری داشتم و انتظارش را میکشیدم که این لایحه تمام بشود و یکی دو لایحه از آنها بگذرد و صحبت بطول انجامید آن اندازه که بنده بودم و شنیدم تصور میکنم يك قدری سوء تفاهم و اشتباه در اصل این لایحه شده است متصل صحبت می‌شود که دولت میخواهد شرکت را منحل بکند و با منافع سهام دیگر را پردازد و بقرض خودش بدهد یا توسعه تلگراف را نظر دارد منظور این نیست بعضی آقایان می‌توانند بفرمایند که عبارت خرب نوشته نشده این را تصدیق دارم خود بنده هم اتفاقاً در کمیسیون بودجه بودم (کار دیگری داشتم آنجا) که مذاکره می‌شد بنده گفتم عبارت خوب نیست و نباید این طور باشد حالا مطلب دوتا است اگر عبارت خوب نیست اصلاح میکنم یا بعضی از آقایان که نظر دارند عبارت را اصلاح می‌فرمایند و ما قبول میکنیم حالا بنده لب مطلب را در دو کلمه عرض میکنم آقایان اگر موافقت تصدیق می‌فرمایند موافق نیستند مطلب دیگری است یکی این است که دولت شريك شود یا نشود و لوهزار تومان بخواهد شريك شود یکی از آقایان یا پنج نفر ممکن است همین را حرف داشته باشند بفرمایند اصلاً چرا شريك شود آن مطلبی است اما وقتی شريك شود گناهی ندارد وقتی شريك شود باید پول بدهد وقتی پول میدهد باید بیاورد از مجلس اجازه بگیرد آن پولی که خودش میدهد يك منافی تعلق می‌گیرد و برای محل آن منافع هم باید از مجلس اجازه بگیرد منافع دیگران خیر او نه بما

مربوط است نه از شما اجازه میخواهیم نه می‌توانیم از شما اجازه بگیریم و نه می‌توانیم مصرف کنیم نه حق داریم منافع دیگران مال خودشان است ما هم يك شریکی آنجا می‌شویم حالا می‌گوئید چرا شريك می‌شویم می‌گوئید خوب است که دولت دخالت داشته باشد دخالت که ندارد آیا خوب است که دولت نظارت داشته باشد بای خوب است و تا حالا هم خیلی خوب بوده و بعضی چیزهایش هم خوب نبوده (بیات - صحیح است) دولت وقتی آنجا دست داشته باشد شريك باشد او هم می‌نشیند يك گوشه مثل سایر شرکاء نظری خواهد داشت این ترتیبی که بعقیده دولت درست بوده است وقتی که چراغ برقتان نمی‌سوزد دولت را چیز میکشید خود مملکت سابقاً امتیاز داده است ولی حالا می‌گوئید که چرا چراغ در خانه ما نمی‌سوزد در این جا گاهی ایراد می‌شود وقتی میان شهرها از اینجا تا آنجا تلفون میکنند و قیمت ارزان می‌خواهید و صدا هم وقتی نمی‌رسد خوب تلگراف هم مال مجلس ملی است مال دولت است که آنها يك چیزی است که با همدیگر نباید رقابت کند خوب دولت میخواهد يك قسمت در آنجا شرکت بکند شرکت را البته منحل نمی‌خواهد بکند یا چه حق دارد منحل کند برای چه منحل کند اگر عرض دولت يك تاجر دیگری بیاید داخل این شرکت بشود و سهم هم زیاده‌تر داشته باشد آیا او می‌تواند شرکت را منحل کند یا معیشت انحلال شرکت است آنها هم می‌آیند در سهم خودشان و بهتر هم منفعت می‌برند دولت هم وقتی دخالت میکند چون دولت مال شخصی نیست که با آنها بسازد مایه‌اش را کم بکنیم قوه‌اش را کم بکنیم فایده‌اش بهتر است دولت پولش مال مملکت است و دولت البته بیشتر مراقبت خواهد داشت که درست کار کند و فایده خوب ببرند و صاحبان سهام فایده بیشتر ببرند اما این که يك چیزی اشاره شد این جا گفتند پولش را از بانك ملی چرا گرفته‌اند و چطور شد و اینها بنده در ضمن صحبت خواستم جواب او را هم عرض کرده باشم بانك ملی بمؤسسات تجاری یا تأسیسات عام المنفعه که می‌گوئیم از پولهای که در دسترس داشته

باشد کمک بکند باین هم کمک میکند چنانکه بتجار کمک میکند بسایر چیزها هم کمک میکند و این هیچ وقت باعث صدمه بامور تجار نمی شود یکی از آقایان ذکر کردند که بسوءدبها يك پولى تخمه یص دادند این مبنی بر اشتباه بود برای اینکه بانك ملی از پولى که در دستش هست برای سوءدبها نداده از همین اعتباری که شما برای مخارج راه آهن اینجا تصویب کردید و در دست وزارت طرق است و خرج می کند از آن پول برای خرید از سوءدعوضی اینکه باد لارولیره بخریم بانومان بخریم يك مبالغی اختصاص دادیم که بگذرانند در بانك ملی و هر وقت لازم باشد تومان بگیرد و مال التجاره از آن خارج کند و عوضش بما دلار بدهد و مصالح راه آهن از پولهای بانك ملی نیست مثلاً یکی می آید اینجا می گوید خوب نیست اصلاً دولت شريك شود این يك مسئله است دولت تصور کرده است که شراکتش این جا مفید است و باعث انتظام کار می شود و باعث بیشتر منفعت کردن سایر سهام می شود و دولت بعد از آنکه سهام را خرید خودش شريك شد برای چه منحل کند شرکت يك اساسنامه دارد چنانچه آقایان فرمودند به ثبت هم رسیده است و برطبق آن عمل میکند يك وقتی بعد از یکسال همین اساسنامه را خواستند تغییر بدهند خوب الا آن هم شرکاء حالیه می تواند با کثرت دو نلت یا فلان ترتیبی که خودشان منظور کرده اند درش تغییراتی بدهند اصلاحاتی بکنند و البته آن پولى که دولت با اجازه مجلس از وجوه عمومی قرض میکند و سهم میخرد از منافع آن سهام (از عایدات آن سهام نه منافع سهام دیگر) باید اول قرضش را بدهد اصلاً و فرعاً و بعد بقیه منافع سهام خودش را صرف توسعه و تکمیل اداره تلفن کند وقتی که سهام دیگر را میخواهند صرف کنند صاحبان سهام دیگر جمع می شوند رأی میدهند يك شريك تنها که نمیتواند بتوسعه و اکمال رأی بدهد هیئت مدیره این کار را خواهد کرد اصلاً شاید بعقیده بنده گفتنش هم لزوم نداشته اما چون منافعش را يك چیزی بعد میخواهند صرف کنند اجازه مجلس را لازم دانسته حالا

روح مطاب با این توضیحات همین است که عرض شد حالا اگر عین این مطلب را آقایان تصدیق دارند عبارت را هر طوری که بنظرشان روشتر است آقای وزیر پست و تلگراف هم تشریف دارند قبول خواهند فرمود دولت قبول خواهد کرد آقای مخبر هم قبول خواهند کرد و لایحه تمام می شود و بکارهای دیگرمان هم می رسیم اما اگر اصلاً قبول ندارید و تصویب نمیکنید مطلب دیگری است.

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

طباطبائی دیبا - کافی نیست

رئیس - در کفایت مذاکرات فرمایشی دارید بفرمائید
طباطبائی دیبا - بنده راجع بشرکت تلفن تبریز يك توضیحی میخواستم بعد از آن هم موافقم با کفایت مذاکرات. اینجا و لایات هم نوشته می شود شرکت تلفنی در تبریز بوده است که مربوط بشرکت کل تلفن نیست خواستم آقای وزیر پست و تلگراف توضیح بدهند که این شرکت حالا وضعیتش چه چیز است امتیازش باقی است دولت خیال دارد سهام آنرا هم خریداری کند یا نه؟
وزیر پست و تلگراف - عرض کنم این شرکت تلفن تقریباً عجالتاً سه قسمت شده است يك قسمتش همین است که سهامش در طهران است يك قسمت فروخته شده است بیک نفر از تجار ایرانی يك قسمت هم گویا فروخته شده است به مرتضویها آنها همانطور در قسمت خودشان باقی هستند و اگر بمیل خودشان فروختند همینطور که دولت در نظر دارد خواهد خرید اگر فروختند دولت هم اجبار نمیکند يك مسئله هم آقای وزیر مایه در ضمن بیانانشان فراموش فرمودند جواب بفرمائید آن مسئله اجاره نامه های بین شهرها و طهران است البته آنهم تابع همین مقررات خواهد بود مسلم است همیشه فسخ اجاره برضایت طرفین است و در اینجا هم همین اصل کاملاً مراعات خواهد شد.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفته شد - کافی است) پیشنهادی از آقای مؤید احمدی رسیده است قرائت می شود:

پیشنهاد آقای مؤید احمدی:

بنده پیشنهاد میکنم از عبارت بقیه عایدات عمل کرد تلفون الی آخر حذف شود.

مؤید احمدی - همینطور که آقای وزیر مالیه هم فرمودند این عبارت خوب نوشته نشده بعلم اینکه این عبارت اینطور می رساند با اینکه قصد دولت و کمسیون بودجه این بوده است که منافعی که از سهام تلفن آن سهامی که خودش خریده است عاید می شود صرف توسعه بشود قصد دولت این بوده است لکن این عبارت این طوری می رساند که صاحبان سهام دیگر هم مجبورند که منافع عایداتشان را صرف توسعه کنند شاید آن ها نخواهند این کار را بکنند ما که نمی توانیم آنها را اجبار کنیم این است که در قسمت اول که اجازه خواسته اند بنده موافقم در قسمت دوم همانطور که گفتند جمع و خرج مثل سایر عایدات مملکتی بیاید بمجلس دیگر اینجا لازم نیست اصلاً تذکر بدهند این است که بنده پیشنهاد کردم جملاً اخیر حذف شود.

رئیس - خاطر آقایان را متوجه میکنم که آقای وشهری آقای هزار جریبی آقای فهیمی آقای ملک مدنی آقای افشار همین مضمون را پیشنهاد کرده اند.

دشتی - رأی بگیرید

روحی - اجازه میفرمائید آقا؟

رئیس - آقای مخبر میخواهند حرف بزنند

دکتر طاهری (مخبر) - اصولاً همینطور که آقای وزیر مالیه و آقای وزیر پست و تلگراف توضیح دادند مقصود این نیست که سهام سایرین را منافعش را دولت بخواهد صرف توسعه کند دولت میخواهد شريك این شرکت شود مثل یکی از شرکاء و تابع مقررات آن می شود اگر اکثریت دارد دارد اگر ندارد تابع اکثریت است و برای اینکه عبارت این قانون سوء تفاهم تولید نکند بنده موافق هستم که این عبارت حذف شود.

رئیس - نظر دولت هم موافق است.

وزیر پست و تلگراف - موافقم

رئیس - پیشنهادی از آقای وهاب زاده رسیده است.
پیشنهاد آقای وهاب زاده:

بنده پیشنهاد می نمایم در ماده واحده بعد از هفت سال و نیم بدین ترتیب نوشته شود از محل منافع سهام خود از عمل تلفن اصلاً و فرعاً پردازند و بقیه منافع سهام مزبور را نیز در مدت مزبور کلاً و بالانحصار مختص مخارج اداره و تکمیل و توسعه کار تلفن بوده و همه ساله در بودجه مملکتی برای همین مقصود منظور خواهد شد و آنچه هم صرفه جوئی بشود بر بودجه تلفن سال آینده اضافه می شود.

رئیس - آقای وهاب زاده.

یونس آقا وهاب زاده - با آن توضیحاتی که آقایان دادند تصور میکنم پیشنهاد بنده بانظر آقایان موافقت کند

وزیر مالیه - قسمت اولی را خیلی روشن نوشته اند و موافق مقصود آقایان است و این منظور را خوب نوشته اند ولی قسمت آخر چون این جا هم پیشنهاد شد که حذف شود از ایشان تمنا میکنم که قسمت آخر را مسترد بدارند.

یونس آقا وهاب زاده - پس میگیرم

رئیس - منظور دولت و مخبر این است که قسمت اول مطابق این پیشنهاد نوشته شود؟

مخبر - بلی

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند

رئیس - پیشنهادی از آقای دیبا رسیده است قرائت میشود: پیشنهاد می نمایم در ماده واحده اصلاح ذیل بعمل آید: در مدت هفت سال و نیم از منافع حاصله سهام خود وجه مزبور را اصلاً و فرعاً پردازد بقیه عایدات سهام مختص وزارت پست و تلگراف نیز الی آخر.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده برای همین مقصود این پیشنهاد را تقدیم کردم برای احتراز از این قسمت که دولت خیال ندارد اصلاً در منافع سهام دیگری مداخله کند و قرض خودش را از منافع آن سهام بدهد و این که دولت آن پیشنهاد اولی را قبول کردند این طور می شود که از منافع کل سهام تلفن وجه سهام را مستهلك کند این را بنده معتقد نیستم و با این ترتیب که بنده پیشنهاد کرده ام

عقیده ام این است که این مقصود هم بعمل می آید.
مخبر - در قسمت اول ماده که خبر کمیسیون را اصلاح عبارتی بر حسب پیشنهاد آقای وهاب زاده کردند نظریه همه آقایان را تأمین میکند و راجع به قسمت اخیر هم چون این جا تولید سوء تفاهم میکند و حذفش را مجلس پیشنهاد کرد حضرتعالی هم استدعا میکنم صرف نظر کنید.

طباطبائی دیا - بنده مسترد میکنم.

رئیس - آخرین پیشنهاد متعلق به آقای بیات است. قرائت می شود:

بنده پیشنهاد میکنم که بجای در مدت هفت سال و نیم بیست سال نوشته شود.

رئیس - آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات - اساساً بنده معتقدم این مؤسسه ای که حقیقتاً بایستی در دسترس عامه باشد وسیعی کند دولت تا اندازه که ممکن است و حتی المقدور وسائلی که محل احتیاج عموم است از حیث مادی و معنوی در دسترس عمومش بیشتر بگذارد یعنی توسعه داده شود و از طرف دیگر هر قدر ممکن است سهولت در دسترس مردم بگذارد از آن طرف عوائدش بیشتر خواهد شد برای این که هر قدر که زیاد شود منافعش بیشتر خواهد شد و هر چه کمتر باشد البته منفعتش کمتر است در این مدت ملاحظه شده که دوهزار تا تلفن در طهران دایر شده ولی اگر ده هزار سیم باشد پنجهزار سیم باشد یقیناً اگر نصف این قیمت هم گرفته شود منافع سهام شرکت و دولت زیادتر می شود الا آن در طهران یک رشته سیم تلفن دویست تومان، دویست و پنجاه تومان قیمت پیدا کرده در صورتیکه همه محتاجند و دسترسی ندارند. این جا دولت پیشنهاد کردند که وجه این سهام را در مدت هفت سال و نیم اصلاً و فرعاً پردازند و توسعه هم بدهند و مخارج هم بکنند آنوقت وقتی که حساب بکنند در نظر دارند که بعقیده بنده خیلی فوائد بزرگ از این کار برده شود که در این هفت سال و نیم بتواند اصل و فرع سرمایه را مستهلك کنند مخارج را هم بدهند و توسعه

هم پیدا کند وقتی که این نظر در کار بود که اصل و فرع يك سرمایه را در مدت هفت سال و نیم مستهلك کنند و مخارج هم داده شود این را باید بقدری گران بکنند که حقیقتاً مردم نتوانند تحمل کنند در صورتیکه بنده معتقدم که برای مردم خیلی سهل باشد این است که بنده معتقد هستم حقیقتاً برای دولت که در این کار میخواهد اقدام کند طوری کند که حقیقتاً در دسترس مردم باشد و مردم بتوانند از عهده ادای وجهش برآیند الا آن فرض بفرمائید حق المکالمه و لایات پنج دقیقه پنجقران، هفت قران، هشت قران این مقدار بعقیده بنده خیلی زیاد است در قسمت شهرها هم سه تومان، چهار تومان اضافه مکالمه و غیر ذلک هم می گیرند این البته خیلی زیاد است این يك مؤسسه ایست که فرق العاده برای مردم مفید است و هر قدر هم ارزاتر باشد عوائدش بیشتر میشود بنا بر این آنچه که بنظر بنده می رسد این است که هفت سال و نیم اگر ما مدت را قران دهیم دولت مجبور می شود که قیمت را گران کند تا بتواند آن منافع را برد و در مدت هفت سال و نیم اصل سرمایه را استهلاك بکند و هیچ شرکتهای هیچ مؤسسه بنده گمان نمی کنم باشد که اصل سرمایه و توسعه و مخارج را بتواند در هفت سال و نیم دریاورد این است که بنده پیشنهاد کردم مدت را زیادتر قرار بدهند بیست سال قرار بدهند که دست دولت هم باز باشد و اگر مدت ادامه پیدا کرد و بکفتری در این کار قوت پیدا کرد طوری بکند که ارزاتر بکند و در دسترس عمومی بیشتر بگذارند و البته فوائد و منافعش هم بیشتر خواهد بود. این نظر بنده است.

مخبر - اولاً با نظریه نماینده محترم که همه موافق هستیم که مؤسسات عام المنفعه هر اندازه که ارزاتر باشد هم منفعت مردم است و هم به منفعت صاحب مؤسسات و کلیتاً چیزهایی که بایستی در مقابلش قیمتی تأدیه شود وقتی که ارزاتر شد مصرفش زیادتر می شود و از این جهت فایده اش بیشتر می شود این نظریه نماینده محترم را که چنانکه مکرر هم مذاکره شد که قیمت تلگراف را هم اگر ممکن باشد صلاح بر این است که کمتر بکنند برای

این که هم بیشتر مردم استفاده کنند و عایدات هم بیشتر می شود و همین نظریه را هم دولت دارد و قول دادند خودشان و تعیین این که در آخر این مدت مستهلك شود بر حسب تخمین است و مجبور هم نیستند و اگر در آخر این مدت استهلاك نشد استمهال میکنند برای يك مدت دیگر شاید تا آن مدت که نماینده محترم پیشنهاد کرده اند (در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان از مجلس خارج می شدند)

رئیس - اگر آقایان بیرون بروند باین ترتیب ما به ختم کار نمی رسم.

مخبر - منظور دولت این بود که تا آن موقع نمی رسد آن قسمتی که راجع به توسعه بود که آن اصلاً حذف شد چون اول بعد از استهلاك اصل سرمایه و منافع بنا بود عوائد صرف توسعه بشود آن قسمت که حذف شد در هر صورت نظر خود دولت این است که بیشتر در دسترس مردم بگذارد اگر دولت موفق شد که اکثریت سهامش را تحصیل بکند البته سعی میکند که سهولت و ارزاتر در دسترس عامه بگذارد.

روحی - بنده يك پیشنهاد داده ام قبل از این که به این پیشنهاد رأی گرفته شود آن پیشنهاد هم قرائت شود شاید آقای بیات استرداد کنند.

وزیر مالیه - بنده يك کلمه عرض کنم بعد از آن رأی بگیرید. این کار حسابش شده بعضی از آقایان تصور میکنند که باین منافع هم استهلاك و هم توسعه را در نظر دارند در صورتیکه توسعه و اینها را مجبور نیست در خود اصل لایحه نوشته بود که در مدت هفت سال و نیم از منافع حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اصلاً و فرعاً از منافع اسهام خود پردازد و آن قسمت که راجع به توسعه بود اگر در نظر دارد باید سرمایه را زیادتر بکنند و يك میلیون تومان سرمایه کافی برای این مقصود نیست که هم دولت يك ثلث یا نصف یا دو ثلث سهام را بخرد و هم برای توسعه خرج کند و ما نمی توانیم موافقت کنیم که يك میلیون تومان قرض کنیم یا از بانک ملی یا از بانک دیگر از داخل یا خارج آنوقت بگذاریم هر

سالی يك قسمت از عایدات این را پردازند برای توسعه يك قسمتش را برای سرمایه این تا سالهای سال هم مستهلك نمی شود منظور دولت این بوده است که تمام عایدات این وجه به قرضش داده شود که زودتر مستهلك شود و اگر مقصود این است که هم سرمایه مستهلك شود و صرف توسعه و تکمیل هم بشود باید خود سرمایه را وسعت بدهیم سهم زیادتر بخزند دستگاه را بزرگتر بکنند که از عایداتش هم توسعه بدهند و هم سرمایه اش را پردازند

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای بیات را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگری از آقای عراقی اخیراً رسیده است:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی: تبصره ذیل را به ماده واحد پیشنهاد مینمایم.

تبصره - اشخاصی که خطوط خارج از طهران را برای سیم کشی تلفن اجاره کرده اند اجاره آنها بحالت خود باقی خواهد بود تا مدت اجاره آنها تمام شود.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - در این جا در لایحه که نوشته شده بعنوان خریداری سهام است و خریداری اجاره مشمول این ماده نیست بنده این تبصره را پیشنهاد کردم مقصودم این نیست که این تبصره تصویب شود منظورم این است که دولت یعنی آقای وزیر پست و تلگراف پاشوند توضیح بدهند که امر اجاره مربوط به این اجازه که این جا نوشته شده است نیست اگر توضیح بدهند بنده این تبصره را که پیشنهاد کرده ام مسترد میدارم اگر توضیح ندهند بسته بنظر مجلس است.

وزیر پست و تلگراف - آقا تشریف نداشتند این جا بنده مخصوصاً توضیح دادم عرض کردم یکی مسئله خود سهام است و یکی هم مسئله اجاره هائی است که در دست اشخاص است مسئله اجاره بالاخره از این کار مجزی است و فسخ اجاره با تراضی طرفین است.

عراقی - بسیار خوب بنده هم مسترد میکنم.

رئیس - ماده الحاقیه از آقای روحی رسیده است قرائت می شود:

روحی - بنده این پیشنهاد را استرداد میکنم پیشنهاد دیگر قرائت شود.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای روحی قرائت میشود: پیشنهاد میکنم که مدت مذکور در این قانون به دوازده سال امتداد یابد.

رئیس - آقای روحی.

روحی - عرض کنم همینطور که آقای بیات توضیح دادند و خاطر می آید يك موقعی که راجع به خود شرکت تلفن يك لایحه مطرح بود همه آقایان اینجا فریاد می زدند که از ماحق مکالمات زیادی را میگیرند و غالباً سیم کابل ندارند و لایات را پنج دقیقه پنجقران می گیرند امروز در این مورد هیچ گفته نشد و هیچ بدولت تذکر داده نشد که راقعاً یکقدری تسهیلات برای مردم فراهم کنند و یکقدری بیشتر سیم را در طهران دائر کنند در اساسنامه شرکت تلفن قید است که هر وقت سیم از دوهزار بالا رفت يك ثلث یا نصف از آورنه فعلی را کمتر بگیرند الا آن اگر سیم داشتند تا پنج هزار رشته سیم در طهران دائر می شد و تقاضا می شد بنده میخواستم تقاضا کنم که اولاً یکقدری راجع به توسعه اقدام کنند و آنهم نمی شود در ظرف هفت سال و نیم عمل کرد این دوازده سال يك مدتی است که هم دولت می تواند اصل پول را پس بدهد و هم می تواند در ضمن به توسعه پردازد از آن طرف سایر شرکاء. يك فرمایشی آقای دشتی فرمودند که شاید اقلیت حاضر باشد پولش را بدهد صرف يك مصارفی بکند عرض کنم آن شرکت غیر از شرکتی است که با امور عامه تماس دارد البته بنده و جنابعالی اگر شریک باشیم این طور است ولی تلفن که محل ابتلاء عمومی است الا آن در طهران تقاضا میدهند که میخواهیم سیم داشته باشیم شریک میگوید من نمی خواهم پولم را بدهم این حرف نامشروع است هر قدر بخواهند او بایستی بدهد و با دولت یا هر کسی دیگر باشد موافقت کند زیرا که مردم احتیاج زیاد به تلفن

دارند و مابه احتیاج مردم است بنده عقیده دارم که این دوازده سال يك مدت عادلانه است و اگر قبول فرمایند خیلی خوب است و اگر هم قبول فرمایند بسته بنظر مجلس است.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - يك قسمت از فرمایشات آقای روحی راجع به وسعت و بالاخره ترتیب تنظیم و این حرفها بود که نظر دولت هم همین بود و هم آقای وزیر پست و تلگراف مخصوصاً این قسمت را مکرر وعده فرمودند که در آن قسمت تشکیلات و تنظیمات اداره تلفن دولت نظر خواهد داشت اما در آن قسمت دوازده سال بنده خیال میکنم که همینطور که آقای وزیر مالیه فرمودند يك حساسی شده که هفت سال و نیم می شود والا ممکن بود هشت سال بنویسند اما خیال میکنم آن حساب را موقعی کردند که قسمت اخیرش حذف نشده بود والا حالا این حساب مورد ندارد و درست در نمی آید و بنده پیشنهاد کرده ام که اصلاً هفت سال و نیم را هم برداریم و بنویسیم ناموقعی که اصل سرمایه را مستهلك کند حالا این ممکن است تا هفت سال باشد هشت سال باشد، ده سال باشد هر وقت که این سرمایه مستهلك شود آنوقت پردازند برای توسعه و برای این کار هم با بانک ملی يك قراری خودشان بگذارند و محدود کردن مدت اصلاً بنظر بنده لازم نیست.

روحی - بنده مسترد میدارم و با پیشنهاد آقای اعتبار موافقم.

رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم جمله مدت هفت سال و نیم حذف شود.

مخبر - بنده موافقم.

روحی - يك مدتی جایش بگذارید.

رئیس - چه فرمودید آقای مخبر؟

مخبر - بنده با این پیشنهاد موافقم.

بیات - اجازه میفرمائید؟

رئیس - آقا عضو کمیسیون هستند. بفرمائید.

بیات - این جا عبارتش را باید اصلاح کنیم

بنده هم در همین زمینه پیشنهادی کرده ام اگر مقرر فرمائید قرائت شود ممکن است توافق بین دو نظر شود و ماده با نظرر نوشته شود.

رئیس - پیشنهاد آقای بیات قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ماده بشرح ذیل اصلاح شود:

بعد از مبلغ يك میلیون تومان نوشته شود توسط وزارت مالیه از بانک ملی ایران استقراض نموده و تمام منافع حاصله از سرمایه خود را اصلاً و فرعاً ناموقعی که استقراض مذکور مستهلك شود به بانک ملی مسترد دارند.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - پیشنهاد بنده این بود که هفت سال و نیم را بزیم و هیچ تغییری هم در عبارت نمیدهد و هیچ اشکالی هم نیست عبارت این طور می شود: يك میلیون تومان توسط وزارت مالیه از بانک ملی ایران استقراض نموده و از منافع حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اصلاً و فرعاً از منافع سهام خود بردارد. این عین عبارت ماده است فقط آن جمله هفت سال و نیم حذف می شود و اشکالی که بنظر بنده در پیشنهاد آقای بیات است این است که ممکن است وزارت پست و تلگراف يك قراردادی با بانک ببندد که يك قسمت از منافع را بجای قرضش بدهد و يك قسمت دیگر را صرف توسعه و تکمیل آن باتصویب سایر شرکاء بکند آنوقت سرکار مقید فرموده اید که حتماً باید تمام را بقرضش بدهد این عیب پیدا می شود ولی اگر اصلاً هفت سال و نیم را بردارند بنظر بنده منظور را انجام میدهد.

وزیر مالیه - این که آقای مخبر قبول فرمودند خیلی

فرق در میانه نیست ولی عمده فرق در این است که قانون باید مقید بکند که تمام منافع صرف استهلاك اصل و فرع بشود و منظور این نیست که از منافع يك چیزی برداشته شود این را وزارت مالیه از بانک ملی بنام دولت قرض میکند و در واقع محل داده است و در مقابل باید بگوید من منافع را اصلاً و فرعاً میدهم تا وقتی که مستهلك شود همانطوری که فرمودید مدت هم گذاشته نشود ممکن است

بجسالت باشد، ده سال باشد ولی برای توسعه کار عرض کردم که باید سرمایه را توسعه بدهد و نمی شود برای توسعه آنطور که آقایان اشاره فرمودند هم مخارج هم استهلاك سرمایه و هم توسعه بدهیم. (صحیح است)

رئیس - آقای بیات حمایت میفرمائید از پیشنهادتان.

بیات - بنده نظرم تأمین میشود بهر کدام که موافقت کنند.

رئیس - پس قدر متیقن این است که آن عبارت هفت سال و نیم حذف شود. نظر آقای احتشام زاده هم تأمین شده است؟

احتشام زاده - بلی مال بنده هم چون حذف هفت سال و نیم بود تأمین شد.

رئیس - پیشنهاد آقای محیط قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول نوشته شود:

ماده اول - بوزارت پست و تلگراف اجازه داده میشود که با رضایت صاحبان سهام بعمل می آید الی آخر ماده.

رئیس - آقای محیط.

میر سید محمد محیط لاریجانی - در این کلمه که در

ماده اول نوشته است معنی الزام است که بدولت اجازه داده می شود که سهام شرکت تلفن را خریداری کند و فردا اگر يك نفر بخواهد يك کلمه از برای وصول منافع بگوید متذکر خواهند شد که باید بفروشید و ما باید بخریم و این کلمه با رضایت صاحبان سهام که بنده پیشنهاد کردم رفع این محذور را میکند این بود که بنده پیشنهاد کردم اضافه شود.

مخبر - این توضیح واضح است و خرید همیشه با

رضایت طرف است و از این جهت نظر آقای محیط تأمین است.

محیط - مسترد میکنم.

رئیس - امید داریم آخرین پیشنهاد باشد:

پیشنهاد آقای شریعت زاده:

اصلاح ماده واحده - دولت مجاز است از بانک ملی ایران مبلغ يك میلیون تومان بمدت ده سال استقراض و از وجه مزبور از سهام شرکت کل تلفن ایران و مؤسسات دیگر تلفن هر قدر ممکن است خریداری و در

شرکت کل تلفن و مؤسسات دیگر تلفن بعنوان شریک وارد شود و در تمام مدت ده سال باید اقساط فوق الذکر همه ساله در بودجه وزارت پست و تلگراف و تلفن منظور و عایدات سهام متعلقه به دولت نیز در بودجه مملکتی محسوب گردد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده يك اشکالی می بینم راجع باین مطلب زیرا که البته راجع به تحصیل اجازه برای خرید سهام اشکالی نیست و راجع به استقراض هم اشکالی نیست ولی اشکالی که هست این است که تخصیص داده شده است منافع سهام متعلقه بدولت در درجه اول برای پرداخت این قروض بنظر بنده این مصرف تعیین آن در قانون صحیح نیست زیرا که تقسیم منافع بین شرکاء و ترتیب پرداخت آن باید بموجب اساسنامه و برطبق تصمیم مجمع عمومی بعمل بیاید شاید اوضاع و احوال طوری باشد که مجمع عمومی تصویب کند که منافع حاصله را به صاحبان سهام ندهند و آنوقت دولت نمی تواند این اقساط را بدهد اگر خود دولت این کار را کرده بود اشکالی نداشت ولی چون ممکن است سایر شرکاء موافقت نکنند بنا براین بنده این طور پیشنهاد کردم که این مبلغ را وزارت پست و تلگراف در بودجه خودش اصلاً و فرعاً منظور کند و در مقابل آنچه عایدات که متعلق به سهم دولت است در بودجه عمومی بنویسد که هیچ قیدی نباشد که حتماً از عایدات این وجه وجه استهلاك آن پرداخته شود.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد ..

وزیر مالیه - بنده عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

وزیر مالیه - بنده باز می بینم آقای شریعت زاده رفته اند سرمسئله اول که مجمع عمومی تصدیق کرده اند یا نکرده اند و باید از طرف مجمع عمومی شرکت اجازه داده شود بنا نیست که از منافع کل شرکت بدهند بنا است از منافعی که خود دولت از این سهام دارد این قرض را بدهد و باید مجمع عمومی شرکت

تصویب بکند که من منافع سهام خودم را به فلان مصرف برسانم مجوز باشم یا مجوز نباشم و این مطلب باید گفته شود و در صورت مجلس هم باید نوشته شود که منافع حاصله از این کار در درجه اول و درجه آخر باید اصلاً و فرعاً بقرض بدهند چون قرض چیز خوبی نیست آن وقت مال خودش باشد حق دارد این کار را بکند.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - يك اشتباهی شده است آقای وزیر مالیه بنده عرض کردم که دولت ممکن است در نتیجه تصمیم مجمع عمومی بتواند آن سال از منافع سهام خودش استفاده کند (افشار - خودش اکثریت دارد) خیر مطابق قانون صاحب سهام هر قدر هم سهم داشته باشد پیش از خمس آراء را نمیتواند داشته باشد اکثریت سرمایه را دارد این جزء اساسنامه هم هست اگر در يك شرکتي يك نفر دو تکت سرمایه را داشته باشد و پنجاه نفر يك تکت آن يك نفر پیش از يك خمس آراء را در آن شرکت نمی تواند داشته باشد عرض کردم ممکن است مجمع عمومی شرکت رأی بدهد که امسال اصلاً عایدات تقسیم ننمود این يك مسئله ایست (به قانون تجارت مراجعه بفرمائید) آنوقت محلی ندارد این بود که بنده پیشنهاد کردم که دولت در بودجه عمومی پرداخت مبلغ قرض را منظور بدارد اگر منافع رسیده که صرف آن کار میکند اگر نرسیده که از آن محل این قرض و نظر آقای وزیر مالیه تأمین می شود.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم به ماده واحده با حذف جماعه (از بقیه عایدات متعلقه) که توافق شد و حذف مدت.

مخبر - حذف این عبارت (در مدت هفت سال و نیم) و حرف (واو) باقی میماند.

رئیس - برای ارتباط البته حفظ میگردیم. موافقین ورقه سفید خواهند داد. آقایان بعد از رأی تشریف نبرند

(اخذ آراء بعمل آمده شصت و هفت ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۸۸ نفر [۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

با اکثریت ۶۷ رأی تصویب شد *

رئیس - آقای وزیر مالیه چون احتیاج مبری دارند و به بنده یادآوری می کردند که آن چند کاری که دارند از مقوله آن کارهایی که می شود با مرور زمان با آنها مواجه شد نیست و خیلی ضرورت دارد که باید بگذرد

و تقاضا داشتند که آقایان صرف وقت بکنند و یکی دو

جلسه این کارها را تمام کنند و چون برای کارهای

خصوصی هم روز سه شنبه ساعت هفت بعد از ظهر در

عمارت علیحده وقت معین شده لهذا جلسه آینده

چهارشنبه ساعت هفت دستور لوابیح مالیه

(مجلس یکساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

* اسامی موافقین: آقایان: مهدوی - سهرابخان ساکینیان - دکتر ضیائی - مجد ضیائی - دکتر احتشام - روحی - دکتر سنگ

یونس آقا وهاب زاده - مخبر فرمند - مسعود ثابتی - درباری - فهیمی - فروزی - علوی سبزواری - مسعودی خراسانی - ملک مدنی - حاج میرزا حسین خان فاطمی - موثر - میرزا محمد حسین نواب - سید کاظم یزدی - طباطبائی وکیلی - رضا قلی خان باستانی - محمد ناصر خان قشقایی - خواجوی - افسر - جمشیدی - طالش خان - دکتر شیخ - دبستانی کرمانی - معصوم سنگ - ناصری - لاریجانی - حسین قلی خان نواب - اورنگ - میرزا صادق خان اکبر - دکتر عطاء الله خان سبعمی - احتشام زاده - مؤدهی - فتوحی - ملک زاده آملی - نثار الاسلامی - اسمعیل خان قشقایی - بیات ماکو - امیر ابراهیمی - امیر حسینخان بختیاری - فتحعلی خان بختیار - رهبری - اعتبار - دادور - افخمی - حیدری - محمد تقی خان اسعد - دکتر طهری - قرآگوز لو - امیر دولتشاهی - شریفی - میرزا یانس - بوشهری - میرزا اسدالله قتیبه - میرزا علی چایچی - کفائی - تربیت - اسدی - صفاری - حاج محمد رضا بهبهانی مؤید احمدی .

اسامی مخالفین: آقایان: دشتی - میرزا حسین خان افشار

قانون

قانون اجازه استقراض يك ميليون تومان بوزارت پست و تلگراف برای خرید سهام شرکت كل تلفون ماده واحده - بوزارت پست و تلگراف اجازه داده می شود که برای خرید سهام شرکت كل تلفون و مؤسسات تلفون ولایات و تزئید سرمایه و توسعه تشکیلات تلفون مبلغ يك ميليون تومان توسط وزارت مالیه از بانك ملی ایران استقراض نموده و از محل منافع سهام خود از عمل تلفون وجه مزبور را اصلاً و فرعاً پردازد.
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هیجدهم دیماه یکهزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر